



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ / آبان / ۱۳۹۸

موضوع کلی: نواهی

موضوع جزئی: اجتماع امر و نهی - مقدمه اول: معنای واحد - ۱. کلام محقق خراسانی

مصادف با: ۲۱ ربیع الاول ۱۴۴۱

و بررسی آن ۲. کلام محقق نایینی و بررسی آن

جلسه: ۲۶

سال یازدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در جواز یا امتناع اجتماع امر و نهی بود. محقق خراسانی مقدماتی را متعرض شده اند. اولین مقدمه این بود که معنای واحد در عنوان بحث چیست؟ عنوان بحث این بود که «هل يجوز اجتماع الامر و النهی فی واحد او لا؟» محقق خراسانی فرمودند: واحد اینجا یک معنای عامی دارد که هم وحدت شخصی و هم وحدت نوعی و هم وحدت جنسی را در بر می گیرد. ایشان اینجا در واقع دو ادعا دارند: ادعای اول ایشان عمومیت معنای وحدت بود، ادعای دوم ایشان این بود که سجود لله و سجود للصنم (که از این ناحیه اشکالی متوجه ایشان شده بود) ولو مفهوما یکی هستند اما حقیقتا متغایرنند، اینها در واقع دو ماهیت و دو حقیقت می باشند. ادعای اول ایشان را مورد بررسی قرار دادیم و نتیجه این شد که اساسا واحد نمی تواند به معنای واحد شخصی باشد، امکان ندارد در واحد شخصی که همان فرد و مصداق امر یا نهی هستند، اجتماع امر و نهی صورت بگیرد، این محال است و جای نزاع ندارد. پس واحد به چه معناست؟ ما هنوز وارد این نشدیم، ما فعلا کلام محقق خراسانی را مبنی بر اینکه منظور از واحد یک معنای عامی است که حتی واحد شخصی را هم در بر می گیرد، را بیان کردیم. پس ادعای اول ایشان را مورد بررسی قرار دادیم و معلوم شد این ادغام ناتمام است.

#### بررسی ادعای دوم محقق خراسانی

اما ادعای دوم که گفتند سجود برای خدا و سجده برای بت فقط در مفهوم سجود با هم مشترکند والا اصلا دو حقیقت و دو ماهیت می باشند، در پاسخ به این ادعا ما ابتدائا عرض کردیم که سجود قطعاً اینجا مشترک معنوی است، یک حقیقت است، حال یک جا مسجود له خداست و جای دیگر صنم. اگر مشترک معنوی شدند (برخلاف محقق خراسانی که کانه اینها را مشترک لفظی دانستند و ما معتقد شدیم که اینها یک حقیقت دارند) باز اشکالی که به خاطر آن محقق خراسانی مبادرت به تفسیر و تبیین معنای واحد کردند به قوت خودش باقی است. محقق خراسانی چرا اقدام کردند به تفسیر معنای واحد؟ اشکال این بود که مسئله سجود لله و سجود للصنم نیز داخل بحث اجتماع امر و نهی می شود در حالیکه قطعاً از بحث اجتماع امر و نهی خارج است. اصلاً به خاطر این محقق خراسانی گفتند واحد اعم است و شامل آن هم نمی شود. زیرا آنها دو حقیقت هستند، اگر گفتیم آنها یک حقیقت می باشند باز اشکال بر می گردد. اگر اثبات کردیم سجود لله و سجود للصنم یک حقیقت هستند و تنها اختلافشان به اعتبار مسجود له است باز این سؤال کماکان ظاهر می شود که چه فرقی است بین سجود لله و سجود للصنم با حرکت کلی صلاتی و حرکت کلی غضبی؟

چه فرقی بین این‌ها است؟ شما آن‌جا می‌گویید: وحدت جنسی دارند ولی در سجود لله و سجود للصنم می‌گویید وحدت جنسی ندارند، فرق بین اینها چیست؟

لقائل ان يقول دفاعا عن المحقق الخراسانی که اینها با هم فرق دارند، سجود لله و سجود للصنم با حرکات کلی صلاتی و حرکت کلی غصبی با هم متفاوت هستند، زیرا امکان ندارد یک مورد را در خارج پیدا کنید که سجود برای خدا و سجود برای صنم با هم اجتماع کنند. یعنی کسی در آن واحد هم برای خدا و هم برای صنم سجده کند، یک مورد نیز نمی‌توانید پیدا کنید. اما می‌توانید در خارج موردی را پیدا کنید که هم عنوان نماز بر آن صادق باشد هم عنوان غصب، کسی که در زمین غصبی مشغول نماز است هم یصدق علیه انه غاصب، نفس حضورش چه در حال حرکت باشد و چه در حال سکون باعث می‌شود در این زمین به او بگویند غاصب و در عین حال چون مشغول آن حرکات و سکنات است به او بگویند مصلی و نمازگزار، پس مهمترین فرق بین سجود لله و سجود للصنم با نماز و غصب (حرکت کلی صلاتی و غصب) این است که امکان ندارد که شما در خارج یک موردی را نشان دهید که مصداق هر دو عنوان سجود لله و سجود للصنم باشد اما در مورد نماز و غصب چنین مشکل و امتناعی وجود ندارد.

### ولکننا نقول

اشکال اول: این حرف نیز قابل قبول نیست زیرا اصل اشکال این است که اساساً ما درباره فرد خارجی و مصداق خارجی یا به تعبیر دیگر تصادق صحبت نمی‌کنیم ما سجود لله و سجود للصنم یا صلاة و غصب را به عنوان مثال برای واحد جنسی ذکر کردیم، یعنی این‌ها در واقع مثال‌های وحدت جنسی هستند. بین صلوة و غصب و سجود لله و سجود للصنم فرق است. ما هم اشاره کردیم محقق خراسانی وحدت جنسی را هم داخل در محدوده واحد قرار دادند تا عنوان کلی صلوة یا حرکت صلاتی با عنوان کلی حرکت غصبی داخل محل نزاع شود و سجود لله و للصنم خارج شود، اصلاً بحث ما در مورد اینکه در خارج یک فرد واحد دو عنوان باشد نیست بلکه بحث در مورد واحد جنسی است.

به عبارت دیگر این دفاعیه‌ای که از محقق خراسانی صورت گرفت برای محقق خراسانی نافع نیست. زیرا بحث درباره وحدت جنسی است اما این پاسخی که به جانب داری از محقق خراسانی داده شد در واقع یک وحدت مصداقی است، چون سخن در وجود تصادق یعنی یافتن مصداق واحد برای هر دو است، در حالیکه این مورد بحث نیست. لذا به نظر می‌رسد اصل آن اشکال که اشتراک بین سجود لله و سجود للصنم و بین حرکت کلی صلاتی و حرکت کلی غصبی وجود دارد باقی است چون همانطور که آن وحدت جنسی دارد این هم وحدت جنسی دارد، بخواهید یا نخواهید این نیز داخل بحث اجتماع امر و نهی می‌شود.

اشکال دوم: سلمنا این فرق باشد، یعنی یک موردی پیدا کنیم که واجد عنوان نماز و غصب باشد ولی در مورد سجود لله و سجود للصنم هیچ موردی نمی‌توانیم پیدا کنیم که واجد هر دو عنوان باشد. یعنی در خارج مصداقی پیدا نمی‌شود که هم مصداق سجده برای خدا باشد و هم سجده برای بت و صنم، بر فرض این را بپذیریم اینجا یک اشکالی پیش می‌آید:

می‌گوییم آن وقتی که خداوند متعال می‌خواسته به نماز امر کند و از غصب نهی کند این امر و نهی چگونه صورت گرفته است؟ آن وقتی که «اقیموا الصلوة» را انشاء کرده است، آن وقتی که «لا تغصب» را انشاء کرده است، آیا در ذهنش این مطلب را ملاحظه کرده

و مورد توجه قرار داده است که ممکن است کسی یک روزی در زمین غضبی بخواهد نماز بخواند یا نه؟ به عبارت دیگر خداوند متعال در موقع امر به نماز و نیز نهی از غضب توجه داشته که زمانی ممکن است نماز و غضب با هم اجتماع کنند یا خیر؟ از دو حال خارج نیست، یا آن موقعی که امر می‌کرده و نهی می‌کرده این مسئله مد نظرش بوده یا مد نظرش نبوده،

فرض اول: اگر گفته شود همان موقع مد نظرش بود که ممکن است یک روزی این نماز با غضب اتحاد وجودی پیدا کند، می‌گوییم این اصلاً محال است، زیرا اگر گفتیم امر فقط به طبیعت نماز متعلق می‌شود و نهی فقط به طبیعت غضب متعلق می‌شود، امکان ندارد موقع امر به نماز و موقع نهی از غضب شارع در ذهنش بیاید که این‌ها در خارج باهم تصادق پیدا کنند زیرا آن وقتی که امر می‌کند نظر به فرد ندارد «لایأمر الا بالطبیعه» طبیعت نماز مأمور به است، اصلاً به افراد و مصادیق و اینکه یک روز زید ممکن است برود یک جایی را غضب کند و همانجا نماز بخواند و مصداقی برای هر دو عنوان پیدا شود نه تنها در ذهنش نبوده بلکه نمی‌توانسته چنین چیزی را در ذهنش ملاحظه کند زیرا امر فقط به طبیعت تعلق می‌گیرد و کذلک نهی، وقتی نهی از غضب می‌کرده جز نهی از طبیعت آن هیچ چیز دیگری مد نظرش نبوده، مسئله تصادق یعنی اینکه دو عنوان بر مصداق واحد صدق کنند، اصلاً امکان ملاحظه و توجه و تصور آن برای آمر و مولا نیست. مسئله اتحاد وجودی، یکی شدن در خارج، اینکه یک روزی یک کسی برود جایی را غضب کند و در زمین غضبی بخواهد نماز بخواند، غیر از مسئله امر و نهی است، غیر از دلالت امر و نهی است، امر و نهی یک معنایی دارند و یک حقیقتی دارند، اگر ما به حقیقت امر و نهی توجه کنیم که عبارت است از بعث به طبیعت و زجر از طبیعت، اصلاً دیگر کاری به خارج و فرد و مصداق و امکان اتحاد وجودی این دو طبیعت ندارد.

فرض دوم: اما اگر بگویید که مولا در هنگام امر به نماز و نهی از غضب اساساً تصادق بین این دو عنوان را در یک فرد و اتحاد وجودی آن دو را در یک مصداق خارجی لحاظ نکرده است، بلکه فقط به طبیعت نماز امر کرده و از طبیعت غضب نهی کرده است و لاغیر، مشکل آن است که آن دفاعیه از اساس منهدم می‌شود زیرا آن دفاعیه که از محقق خراسانی صورت گرفت در واقع اساسش این بود که می‌خواست با اتکا به تصادق و اتحاد خارجی این دو عنوان در فرد واحد بین سجود لله و سجود للصنم و مسئله صلوة و غضب فرق بگذارد. او گفت فارق بین سجود لله و للصنم با حرکت کلی صلاتی و حرکت کلی غضبی در مسئله تصادق است، یعنی ما می‌توانیم موردی را پیدا کنیم که خارجاً یک فرد باشد اما هم مصداق نماز باشد و هم مصداق غضب اما مشکل این است که در خارج هیچ وقت نمی‌توانیم مصداقی را پیدا کنیم که هم مصداق سجود برای خدا باشد و هم صنم. اگر شما مسئله تصادق را کنار بگذارید و بگویید امر و نهی به طبیعت صورت گرفته است، حرف درستی است ولی آن فارقی که شما می‌خواستید با آن، اشکال به محقق خراسانی را برطرف کنید از بین می‌رود.

فتحصل مما ذکرنا کله بیان محقق خراسانی و تفسیری که از کلمه واحد ارائه دادند راهگشا نیست و مبتلا به اشکال است، اگر بگوییم: واحد یک معنای عامی دارد که شامل واحد جنسی هم می‌شود این اشکال دارد و مسئله را حل نمی‌کند، محقق خراسانی این را مطرح کرد تا نماز در دار غضبی داخل در بحث شود و برای خارج کردن سجود لله و سجود للصنم نیز گفت این‌ها حقیقتشان با هم فرق دارد، ملاحظه کردید که این بیان و تفسیر مسئله را حل نمی‌کند.

چرا محقق خراسانی دست به تفسیر معنای واحد زدند؟ برای اینکه آن مورد و مثال یعنی نماز در دار غضبی را داخل در این بحث کنند و سجود لله و سجود للصم نیز از بحث خارج شود، ملاحظه کردید که تفسیر ایشان به حل این مسئله کمکی نکرد.

## ۲. کلام محقق نایینی

ایشان می‌فرماید: ما یک وحدت در ایجاد داریم و یک وحدت در وجود، وحدت در وجود یعنی فرد واحد و وجود واحد، الان هر موجود خارجی که شما ببینید، یک وجود دارد. ایجاد در واقع فعل وجود است، ممکن است به ایجاد واحد دو موجود محقق شوند، پس می‌شود جایی ایجاد واحد باشد اما وجود متعدد باشد، مثل همین نماز در دار غضبی، ایشان می‌گویند: نماز در دار غضبی ایجادش واحد است اما وجود در آن دو تا است، ایجاد حرکت غضبی صلاتی یکی است. یعنی کسی که در زمین غضبی ایستاده و حرکت می‌کند یک چیز را ایجاد می‌کند نه دو تا چیز، یک حرکت، یک سکون یک رکوع و یک سجده، پس ایجاد واحد است، اما وجود متعدد است، یکی وجود نماز است و یکی وجود غضب.

بر این اساس بحث ما در مسئله اجتماع امر و نهی این است که آیا اگر متعلق امر و نهی به ایجاد واحد موجود شدند آیا وجود هم واحد است که در نتیجه اجتماع ممتنع است یا وجودش متعدد است که در نتیجه اجتماع جایز است؟ ایشان می‌گویند: این شخص با یک ایجاد، ایجاد حرکت صلاتی غضبی، دو وجود را تحویل داده است. بحث در اجتماع امر و نهی این است که اگر جایی به ایجاد واحد دو وجود پیدا شدند آیا این دو وجود واقعا دو وجود محسوب می‌شوند؟ اگر دو وجود محسوب شدند اجتماع امر و نهی جایز است و اگر یک وجود محسوب شدند اجتماع امر و نهی جایز نیست، یعنی در واقع می‌خواهد بگوید: کسانی که قائل به جواز اجتماع امر و نهی هستند منظورشان این است که درست است که در این موارد ایجاد واحد است اما وجود دو تا است، یکی نماز است و دیگری غضب، لذا هیچ اشکالی ندارد امر به یک وجود متعلق شود و نهی به وجود دیگر، کسانی که قائل به امتناع می‌باشند می‌گویند: اگر ایجاد واحد بود، اما این‌ها یک وجود هستند و در وجود واحد امر و نهی قابل اجتماع نیستند. کأنه بحث این است که ایجاد واحد سبب می‌شود که وجود هم واحد باشد یا نه با فرض اینکه ایجاد واحد است به ایجاد واحد دو وجود محقق شده است؟<sup>۱</sup>

## بررسی کلام محقق نایینی

اساس این بیان و تفسیر محقق نایینی محل اشکال است، ایشان مینا را این قرار داده است که به ایجاد واحد دو وجود محقق می‌شود در حالیکه امکان ندارد ایجاد واحد باشد و وجود دو تا، ایجاد و وجود ذاتا متحدند، معنا ندارد که بگوییم ایجاد یک چیز است و وجود چیز دیگری است، اختلاف بین ایجاد و وجود اعتباری است، ما از یک جهت وقتی به آن فعل نگاه می‌کنیم می‌گوییم این ایجاد است، وقتی از زاویه دیگری به آن چیزی که تحقق پیدا کرده نگاه می‌کنیم می‌گوییم این وجود است، لذا فرض وحدت ایجاد و تعدد موجود اصلا ممتنع است. این اشکالی است که متوجه محقق نایینی است.

به علاوه اینکه این مسئله مشکل را در رابطه با سجود لله و سجود للصم حل نمی‌کند؛ آنجا ایجاد واحد است و وجود هم واحد است. ممکن است کسی بگوید این «یصدق علیه عنوان سجدة لله و عنوان سجدة للصم». اما ایشان اینطور می‌گویند که آنجا نه تنها ایجاد واحد است بلکه وجود هم واحد است. از اول این سجده برای خدا بوده، این طور نیست که بتواند مثل نماز در دار غضبی

<sup>۱</sup> اجود التقريرات، ج ۱، ص ۳۴۰

باشد که دو وجود باشد، نه، یک وجود بیشتر نیست، به این ترتیب سجده الله را و سجده للصنم را از بحث اجتماع امر و نهی خارج می‌کند که آنجا یک وجود است و یک ایجاد.

«والحمد لله رب العالمين»